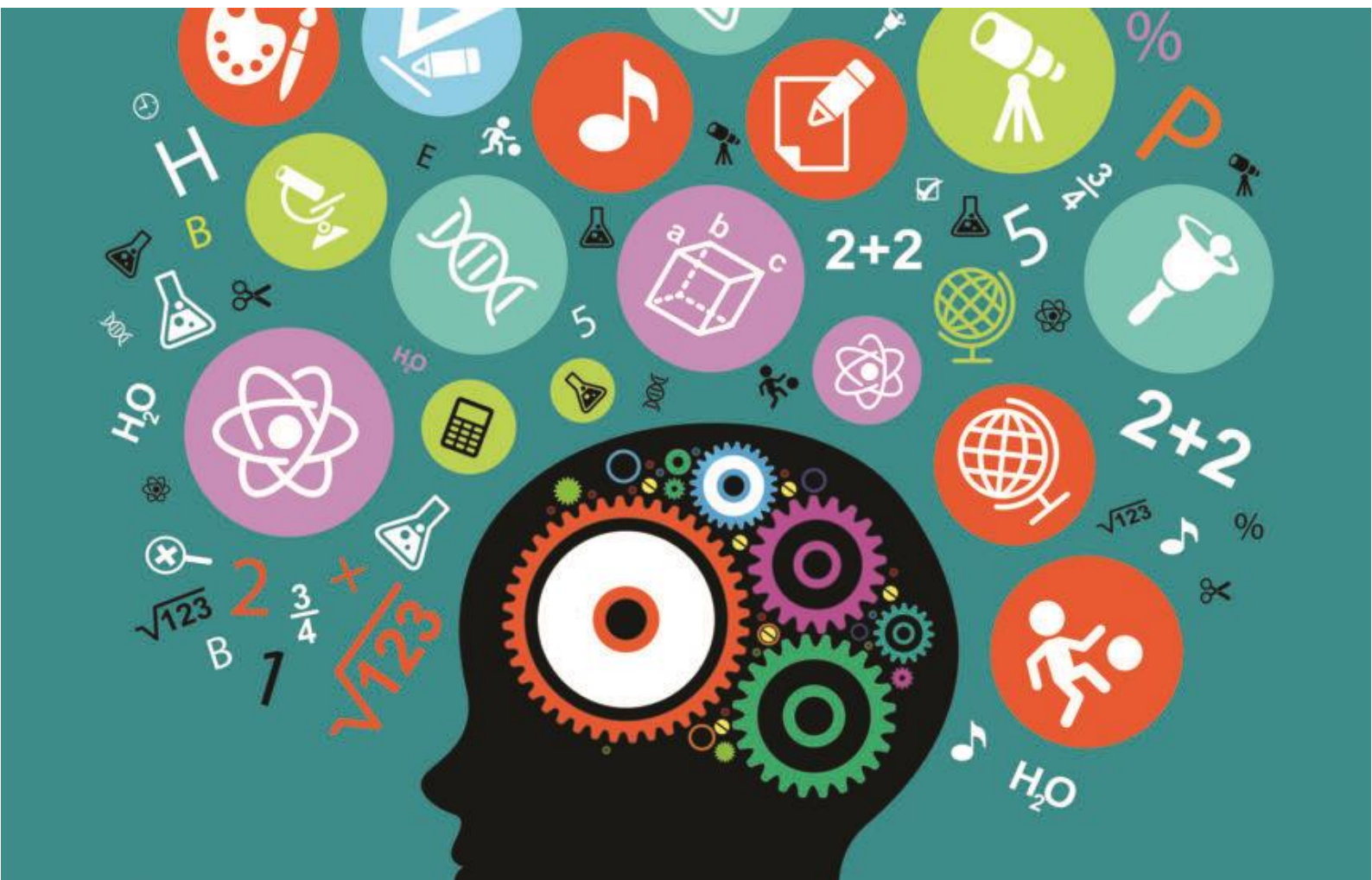




آموزش مبتنی بر شایستگی؛

ویژگی‌ها و راهبردها



احتمالاً برای بسیاری از ما، یادگیری در مدرسه چنین فرایندی داشته: معلم یک مفهوم را توضیح می‌داد، ما کمی مطالعه می‌کردیم، تمرین‌هایی انجام می‌دادیم و سپس هر چند روز یک بار امتحان می‌دادیم تا زمانی که یک بخش کتاب تمام شود. این روند برای درس بعدی نیز تکرار می‌شد.

حالا تصور کنید یادگیری‌تان در مدرسه صرفاً به حفظ مطالب محدود نمی‌شد و به شما مهارت‌هایی یاد داده می‌شد که نه تنها در کلاس درس بلکه در برابر چالش‌های روزمره زندگی هم کاربرد داشت. مثلاً، در درس‌های پروژه‌محور، شما یاد می‌گرفتید چگونه در یک تیم، نقش فعالی داشته باشید، مسائل پیچیده را با راهبردهای خلاقانه حل کنید، و ایده‌های خود را با اعتماد به نفس و شفافیت ارائه دهید. این‌ها ویژگی‌هایی است که در رویکرد آموزش "شایستگی-محور" دنبال می‌شوند.

در دنیایی که هر لحظه شاهد نوآوری‌ها و پیشرفت‌های سریع هستیم، اهمیت آماده‌سازی افراد برای مواجهه با چالش‌های متغیر و پیچیده‌ی زندگی مدرن بیش از پیش احساس می‌شود. آموزش مبتنی بر شایستگی، دانش را به زندگی واقعی پیوند می‌زند.

"ریشه‌های تاریخی و تکامل آموزش شایستگی محور"

ریشه‌های آموزش شایستگی محور را می‌توان در تحولات آموزشی قرن بیستم دید. زمانی که اندیشمندان و متخصصان آموزشی شروع به بازاندیشی در مفاهیم و روش‌های سنتی آموزش کردند. این تغییر نگرش، ناشی از شناخت این حقیقت بود که آموزش باید فراتر از انتقال دانش نظری باشد و باید به گونه‌ای طراحی شود که یادگیرندگان را برای مواجهه با چالش‌ها و موقعیت‌های زندگی آماده کند.

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، به ویژه در ایالات متحده و اروپا، شاهد ظهور تئوری‌های جدید در زمینه آموزش و پرورش بودیم که تأکید بر توسعه مهارت‌های عملی، تفکر انتقادی و حل مسئله داشتند.

بر خلاف روش‌های سنتی که بیشتر بر انتقال دانش و اطلاعات از معلم به دانش‌آموز و ارزیابی از طریق امتحانات تمرکز داشتند، آموزش شایستگی محور به دنبال آن است که یادگیرندگان را در مرکز فرآیند یادگیری قرار دهد و تأکید بر یادگیری فعال و کاربردی دارد.

ظهور این رویکرد در آموزش با نیاز روزافزون بازار کار به نیروی انسانی ماهر و انعطاف‌پذیر نیز همراه بود، جایی که توانایی‌هایی فراتر از دانش تئوریک، مانند توانایی حل مسئله، تفکر خلاق، و کار گروهی به شدت مورد نیاز بودند. این نیازها باعث شد که آموزش و پرورش بیشتر به سمت رویکردهای شایستگی-محور سوق پیدا کند تا پاسخگوی نیازهای تغییر یافته جامعه و بازار کار باشد.

اکنون به این پرسش می‌پردازیم که، منظور از "آموزش مبتنی بر شایستگی"



"شایستگی" در قلب این رویکرد آموزشی قرار دارد و در واقع، تجلی دانش و مهارت‌ها در عمل است. در محیط‌های آموزشی شایستگی-محور، تأکید بر این است که یادگیرندگان نه تنها دانش خود را به صورت نظری یاد بگیرند، بلکه قادر باشند آن را در موقعیت‌های عملی به کار ببرند و از آن در حل مشکلات واقعی بهره‌مند شوند. به این ترتیب، آموزش شایستگی محور به دنبال تربیت افرادی است که هم اطلاعات را می‌دانند، و هم می‌توانند با استفاده از آن اطلاعات به طور مؤثر عمل کنند و در جهانی که دائماً در حال تغییر است، موفق و کارآمد باشند.

آموزش مبتنی بر شایستگی (CBE) یک روش آموزش و ارزیابی است که بر اساس "نشان دادن"¹ تسلط دانش‌آموزان بر موضوعات تعریف شده است. این روش بر این اصل استوار است که دانش‌آموزان باید "آنچه را که می‌دانند نشان دهند" و در ارزیابی‌ها نشان دهند که مفاهیم و مهارت‌ها را درک و کسب کرده‌اند.

چارچوب CBE حول مفهوم "شایستگی" متمرکز است که به "مهارت‌ها، توانایی‌ها و دانش مورد نیاز برای انجام یک کار خاص" اشاره دارد. این شایستگی‌ها با توجه به حوزه‌های موضوعی، متفاوت هستند.

برای درک بهتر مفهوم شایستگی‌ها، پنج ویژگی کلیدی وجود دارد که باید مد نظر قرار

1. شایستگی‌ها بر هدف نهایی تمرکز دارند.

شایستگی باید بر هدف نهایی تمرکز کند نه بر اینکه به دانش‌آموزان چه چیزی و چگونه آموزش داده شود. در واقع شایستگی باید بر آنچه دانش‌آموزان در نهایت یاد می‌گیرند و چگونگی استفاده‌ی از این دانش در زندگی واقعی متمرکز باشد. مهم این است که آن‌ها بتوانند دانش خود را برای حل مشکلات روزمره، ارتباط مؤثر با دیگران، تصمیم‌گیری هوشمندانه و کار گروهی به کار ببرند.

2. شایستگی‌ها منعکس کننده انتظاراتی فراتر از برنامه آموزشی هستند.

شایستگی‌ها نشان‌دهنده انتظاراتی هستند که فراتر از برنامه آموزشی هستند. یکی از اهداف اصلی "آموزش مبتنی بر شایستگی" (CBE) این است که دانش‌آموزان مهارت‌ها و دانشی را که فراتر از کلاس درس است، کسب کنند. به بیان ساده، این یعنی آنچه دانش‌آموزان یاد می‌گیرند باید به آن‌ها کمک کند تا در زندگی واقعی و موقعیت‌های عملی موفق باشند. بنابراین، شایستگی‌ها نباید فقط محدود به دروس مدرسه باشند، بلکه باید مهارت‌هایی را نیز شامل شوند که برای موفقیت در جامعه و بازار کار ضروری هستند.

¹ demonstrate



3. شایستگی‌ها باید قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری باشند.

فرایند آموزش شایستگی‌ها باید به گونه‌ای باشد که بتوانیم رفتارهایی را که دانش‌آموزان نشان می‌دهند، مشاهده و سنجش کنیم. این به این معناست که آنچه دانش‌آموزان در کلاس یاد می‌گیرند، باید بیش از حفظ مطالب برای قبولی در امتحانات باشد. ما می‌خواهیم ببینیم که دانش‌آموزان چگونه دانش و مهارت‌های خود را به کار می‌برند.

4. استفاده از استانداردهایی برای ارزیابی شایستگی که مستقل از عملکرد دیگر دانش‌آموزان است.

برای ارزیابی شایستگی، از استانداردهای مشخصی استفاده می‌کنیم که نیازی به مقایسه عملکرد دانش‌آموزان با یکدیگر ندارد. هر شایستگی با معیارهای واضحی همراه است تا بتوان فهمید که آیا دانش‌آموز به سطح مورد نظر دست یافته است یا خیر.

5. یادگیرندگان و سایر ذینفعان را در مورد آنچه از آنها انتظار می‌رود آگاه می‌کند.

شایستگی‌ها باید به طور واضح به دانش‌آموزان، معلمان، سیاست‌گذاران، و دیگر افراد مرتبط در آموزش نشان دهند که چه انتظاراتی از آن‌ها وجود دارد. این شامل تعیین ارزش‌ها، اهداف و اولویت‌های یادگیری است تا همه افراد درگیر بدانند چه چیزی مهم است و چه چیزی از آن‌ها انتظار می‌رود که انجام دهند.

راهبردهایی برای اجرای شیوه‌های آموزشی مبتنی بر شایستگی در مدرسه

1- افزایش مشارکت دانش‌آموزان از طریق انتخاب و کنترل فرایند یادگیری خودشان

به معلمان توصیه می‌شود که همیشه به دانش‌آموزان فرصت دهند تا درباره نحوه یادگیری خود تصمیم بگیرند. این شامل انتخاب روش‌های مختلف برای یادگیری و نشان دادن دستاوردهای‌شان می‌شود. تحقیقات نشان داده‌اند که وقتی دانش‌آموزان کنترل بیشتری بر یادگیری خود دارند، مشارکت و توانایی تصمیم‌گیری آن‌ها افزایش می‌یابد.

به عنوان مثال، در مقطع ابتدایی برای شایستگی مربوط به "حیوانات و زیست‌بوم‌ها"، به دانش‌آموزان اجازه دهید تا یک حیوان و زیست‌بوم مورد علاقه خود را انتخاب کنند و در مورد آن تحقیق کنند. آن‌ها می‌توانند انتخاب کنند که نتایج تحقیقات خود را به صورت مدل سه بعدی، کتاب داستانی که خودشان نوشته‌اند، یا پوستر ارائه دهند. این رویکرد نه تنها به افزایش دانش علمی آن‌ها کمک می‌کند بلکه خلاقیت و مهارت‌های هنری‌شان را نیز تقویت می‌کند.

2- دریافت پشتیبانی به موقع و شخصی‌سازی‌شده بر اساس نیازهای یادگیری فردی دانش‌آموزان



دانش‌آموزان بر اساس نیازهای یادگیری خود، حمایت شخصی و به موقع دریافت می‌کنند. تعیین اهداف شخصی یک راه مؤثر برای ارائه این نوع پشتیبانی است. تحقیقات نشان می‌دهد که تعیین اهداف شخصی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا اعتماد به نفس، توانایی خودمدیریتی، و انگیزه درونی خود را افزایش دهند. معلمان با پرسیدن از دانش‌آموزان درباره اهداف یادگیری‌شان، به آن‌ها کمک می‌کنند تا به این اهداف برسند.

3- ارزیابی و بازخورد مستمر و ارائه شواهد به موقع، مرتبط و قابل اقدام

فرض کنید دانش‌آموزی در امتحان ریاضی عملکرد خوبی نداشته است. به جای اینکه فقط با دادن نمره به او بازخورد داده شود، معلم بازخورد توصیفی ارائه می‌دهد که در آن مشخص شده دقیقاً کدام مباحث نیاز به تمرین بیشتری دارند. سپس می‌توان به دانش‌آموز فرصت داد تا دوباره تمرین کند و در زمان دیگری آزمون را تکرار کند تا زمانی که نشان دهد مطلب را یاد گرفته است. این روش باعث می‌شود دانش‌آموز احساس ناامیدی نکند و بداند که همیشه فرصتی برای بهبود و یادگیری وجود دارد.

4- سنجش پیشرفت دانش‌آموزان بر اساس تسلط آن‌ها بر موضوعات درسی، نه بر اساس مدت زمان حضور در کلاس

در این رویکرد، دانش‌آموزان می‌توانند بارها تلاش کنند و زمانی که نشان دادند مطالب را به خوبی فهمیده‌اند، به مراحل بعدی بروند. این روش به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد با سرعت خودشان یاد بگیرند و مهارت پیدا کنند. ممکن است تصور شود که این روش محدودیت زمانی ایجاد می‌کند، اما تحقیقات نشان داده‌اند که آموزش مبتنی بر شایستگی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا سریع‌تر از روش‌های سنتی مطالب را یاد بگیرند.

5- یادگیری فعال دانش‌آموزان با استفاده از روش‌ها، مسیرها و گام‌های متنوع

یادگیری فعال دانش‌آموزان با استفاده از مسیرها و گام‌های متنوع یعنی دانش‌آموزان می‌توانند از روش‌ها و راه‌های مختلف برای یادگیری استفاده کنند. مطالعات نشان می‌دهد که ارائه گزینه‌های انعطاف‌پذیر به دانش‌آموزان، انگیزه، اعتماد به نفس و درک بهتر آن‌ها از مفید بودن محتوا را افزایش می‌دهد.

مثلاً معلم می‌تواند به دانش‌آموزان اجازه دهد که از روش‌های مختلفی برای یادگیری درباره چرخه آب استفاده کنند. برخی دانش‌آموزان ممکن است ترجیح دهند با خواندن کتاب و مقالات یاد بگیرند، برخی دیگر ممکن است از تماشای ویدئوهای آموزشی استفاده کنند، و برخی ممکن است از طریق انجام آزمایش‌های علمی و مشاهده نتایج یاد بگیرند.

معلم می‌تواند پروژه‌ای طراحی کند که در آن دانش‌آموزان بتوانند از روش‌های مختلف استفاده کنند. مثلاً، یک گروه می‌تواند یک مدل سه‌بعدی از چرخه آب بسازد، گروه دیگر می‌تواند یک انیمیشن کوتاه تولید کند، و گروه سوم می‌تواند یک گزارش تحقیقی بنویسد. این تنوع در روش‌ها و گام‌ها به



دانش‌آموزان کمک می‌کند که روش یادگیری مناسب خود را پیدا کنند و با انگیزه بیشتری به یادگیری بپردازند.

6- دانش‌آموزان مسئول یادگیری خودشان هستند

فرض کنید در یک کلاس تاریخ، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که درباره یک رویداد مهم تاریخی تحقیق کنند. به جای اینکه موضوع را به آن‌ها تحمیل کند، معلم به هر دانش‌آموز اجازه می‌دهد تا رویدادی را که به آن علاقه‌مند است، انتخاب کند و تصمیم بگیرد که چگونه نتایج تحقیقات خود را ارائه دهد؛ مثلاً برخی ممکن است یک مقاله بنویسند، برخی دیگر یک پوستر طراحی کنند و برخی یک پاورپوینت آماده کنند.

معلم توضیح می‌دهد که چه معیارهایی برای ارزیابی پروژه‌ها استفاده خواهد شد، معیارهایی مانند دقت تاریخی، خلاقیت و توانایی ارائه. با آگاهی از این معیارها و داشتن حق انتخاب در موضوع و روش ارائه، دانش‌آموزان احساس می‌کنند که کنترل بیشتری بر یادگیری خود دارند و مسئولیت بیشتری برای انجام کار خود می‌پذیرند. این فرآیند به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های تصمیم‌گیری و خودمدیریتی خود را نیز تقویت کنند.

کلام آخر

آموزش مبتنی بر شایستگی (CBE) به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد تا یادگیری خود را به دست بگیرند و به مهارت‌ها و دانشی دست یابند که در زندگی واقعی مفید و کاربردی است.

این رویکرد به ما نشان می‌دهد که یادگیری فراتر از کلاس درس است؛ یادگیری یک سفر مستمر است که هر فرد را به سوی رشد و توانمندی هدایت می‌کند. با پذیرش این رویکرد، مدارس می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا نه تنها موفقیت تحصیلی بلکه موفقیت در زندگی واقعی را نیز تجربه کنند.

پژوهشکده بنیاد سرمد

گردآورنده: حورا جنیدی

بهار، 1403